

مروری بر رده بندی نظری و رده بندی عملی

طرحهای رده بندی را می توان به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرد . مهمترین ویژگی رده بندی عملی (رده بندی کتابخانه ای و رده بندی کتابشناختی) پیوند آن با طبقه بندی علوم است . میزان وابستگی و انطباق رده بندیهای عملی و نظری مسئله اساسی مورد بحث در این مقاله است . به منظور حفظ توالی منطقی و پیوستگی مطلوب موضوعها و دوام و پایداری رده بندی در کتابخانه ها باید نظم علمی اساس تنظیم کتب قرار گیرد ، اما در انطباق رده بندی کتابها با نظم علمی باید جنبه های عملی گروه بندی کتب را نیز مورد توجه قرار داد .

رده بندی در هر زمینه معلول گسترش در کمیت و کیفیت است . با پیشرفت علوم ، ضرورت رده بندی آنها و تدوین طرحهای رده بندی از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان قرار گرفته است . طرح یا نظام رده بندی به منزله نقشه کاملی از رشته های دانش است و کلیه مفاهیم علمی و روابط بین آنها را نشان می دهد . چنین طرحی ممکن است برای مقاصد مختلفی تدوین گردد . طرحهای رده بندی با توجه به هدف آنها به دو دسته نظری و عملی تقسیم می شود . برای رده بندی نظری تقسیمات ذیل را قائل شده اند :

" ۱ . رده بندی فلسفی و علمی که بطور مجرد ناظر بر ترتیب علوم یا ترتیب اشیاء است .

- ۲ . رده بندی آموزشی که در ارتباط با برنامه های آموزشی تهیه می شود .
 - ۳ . رده بندی دایرة المعارفی که تقریباً " مشابه رده بندی آموزشی است ، با این تفاوت که حاوی برخی مطالب از جمله مختصری در باب هر یک از علوم نیز هست .
- طرحهای عملی نیز به نوبه خود به رده بندی کتابخانه ای به منظور تنظیم کتب

نشریه علوم تربیتی

در فقهه کتابخانه‌ها، رده بندی کتابشناختی به منظور تنظیم کتابشناسیها یا فهرستها تقسیم می‌شود. " (۱)

از میان رده‌بندیهای نظری، رده‌بندی ارسطو که علوم را به سه قسمت عمده؛ علوم نظری علوم عملی و علوم ذوقی تقسیم می‌کند، مهمترین طرحی است که تقریباً به مدت دوهزار سال مآخذ رده‌بندیهای علوم توسط دانشمندان دیگر بوده است. رده‌بندی فرانسویس بیکن نیز که دانش را بر مبنای قوای ذهنی؛ حافظه، تخیل و عقل به سه دسته تاریخ، شعر، و فلسفه تقسیم می‌کند بر بسیاری از رده‌بندیهای علمی و نظری تأثیری عمیق داشته است. رده‌بندی شایان ذکر دیگری که رگه‌هایی از تأثیرات آن را می‌توان در رده‌بندیهای متداول یافت، رده‌بندی اگوست کنت است که به منظور استقرار یک مبنای منطقی برای تقسیم‌بندی علوم، نظمی تسلسلی بر حسب کلیت نزولی و پیچیدگی صعودی ارائه داده است. طرح وی با ریاضیات شروع و به جامعه‌شناسی ختم می‌شود.

در قلمرو تمدن اسلامی نیز رده بندی علوم مورد توجه دانشمندان و فلاسفه مسلمان بوده است. در واقع از اواسط قرن دوم تا پایان قرن چهارم هجری دانشمندان به نقل و ترجمه علوم اقوام دیگر، به ویژه علوم و معارف یونانی، پرداختند و معارف یونانی به جهان اسلام منتقل گردید. به این ترتیب گنجینه‌ای از دانش و اطلاعات آن روزگار برای مسلمین فراهم شد، و متفکران و دانشمندان در قلمرو تمدن اسلامی به رشد و توسعه این علوم همت گماشتند و در رشته‌های مختلف سرگرم تحقیق و ابداع شدند و آثار متعددی پدید آوردند. با گسترش کمی و کیفی علوم در قلمرو فرهنگ اسلامی نیز ضرورت رده‌بندی مورد توجه قرار گرفت. شیوه علمای اسلامی در رده بندی علوم مستقیماً "از رده بندی ارسطو متأثر بوده است، با این تفاوت که علوم جدیدی که توسط دانشمندان اسلامی باب گردیده بود به آن رده‌بندی افزوده شد.

مهارت و استادی علمای اسلامی در تدوین طرحهای رده‌بندی بر آن پایه است که بسیاری از دانشمندان اروپایی را به تحسین واداشته است، از جمله ایلهارد وایدمان^۱ دانشمند آلمانی در اشاره به کتاب مفاتیح العلوم چنین می‌گوید: "با مراجعه به این کتاب معلوم می‌شود که دانشمندان اسلامی در مسائل مربوط به طبقه‌بندی علوم از اروپائیان

1. Eilhard Widemann

آزموده تر و ورزیده تر بوده‌اند". (۲)

درواقع ممالک اروپائی از حاصل پیشرفتهای علمی مسلمین بیشترین بهره را گرفتند. "ترجمه متون علمی از عربی به لاتینی در قرن یازدهم میلادی در ایتالیا و اسپانیا شروع شد و در قرن دوازدهم در سطح وسیعتری ادامه یافت. جذب علوم یونانی - اسلامی توسط اروپای غربی مقارن با ظهور طرحهای رده‌بندی بود. . . راجربیکن دایره‌المعارف بزرگی در چهار بخش به ترتیب ذیل تنظیم کرد: (۱) دستور زبان و منطق، (۲) ریاضیات شامل حساب، هندسه، موسیقی و نجوم، (۳) علوم طبیعی، و (۴) اخلاق و مابعدالطبیعه (۳)". در مقایسه این تقسیمات بارده‌بندی فارابی در *احصاء العلوم* که علوم را در پنج گروه اصلی به ترتیب (۱) علم زبان، (۲) علم منطق، (۳) علوم تعلیمی شامل حساب، هندسه، مناظر نجوم، موسیقی، انقال و حیل، (۴) علوم طبیعی و الهی، و (۵) علم مدنی و علم فقه و علم کلام تقسیم بندی کرده‌است، میزان تاثیر رده‌بندی فارابی بر رده‌بندی بیکن آشکار می‌گردد. راجربیکن خود نیز در آثارش به استفاده از *احصاء العلوم* فارابی اشاره می‌کند، "او فارابی را در شمار اقلیدس و بطلمیوس و بینوس و سن اگوستین و بویثیوس یاد می‌کند و در کتاب خود به نام *اپوستریتوم*^۱، نظر محققان را به آثار آنان، مخصوصاً "به کتاب *احصاء العلوم* فارابی جلب می‌کند" (۴) این تاثیر و تاثر متقابل علوم شرق و غرب در واقع مبین حقیقت جهانی بودن علم و به تبع آن رده‌بندی‌های علمای مغرب زمین و مشرق زمین است، و این حقیقت در بررسی رده‌بندی‌های متداول در کتابخانه‌ها که خاستگاه غربی دارند باید در نظر گرفته شود. در رابطه با تاثیر رده‌بندی‌های دانشمندان اسلامی بر کیفیت چیدن کتب و ترتیب آنها در کتابخانه‌ها متاسفانه اطلاعات چندان قابل توجهی وجود ندارد. "البته بیگمان غرض از این طبقه‌بندی‌ها طبقه‌بندی علوم و معارف بوده‌است، نه طبقه‌بندی کتابهای کتابخانه‌ها. ولی طبقه‌بندی کتاب هم نمی‌تواند جدا از طبقه‌بندی علوم باشد. در اینجا باید اعتراف کنیم که درباره طبقه‌بندی کتب کتابخانه‌ها بسیار کم می‌دانیم" (۵).

مسئله اساسی در این گفتار در واقع میزان وابستگی رده‌بندی‌های عملی، بویژه رده‌بندی‌های کتابخانه‌ای، بارده‌بندی‌های نظری است. کتابداری در واقع سه رکن اساسی دارد که عبارتند از گردآوری، سازماندهی، و نشر اطلاعات. سازماندهی دانش عبارتی جامع برای بیان یکی از اساسی‌ترین وظایف کتابخانه است، و مهمترین فنی که در رکن

1. Opusteritum

نشریه علوم تربیتی

سازماندهی بکار می‌رود فن رده‌بندی است. کتابها صرفاً "به‌عنوان اینکه حاوی دانش هستند در کتابخانه نگهداری می‌شوند، لذا مهمترین ویژگی رده‌بندی کتابخانه‌ای ارتباط آن بارده‌بندی دانش است.

اینکه کتابخانه‌گنجینه دانش است و باید مجموعه آن برحسب موضوع مرتب گردد اصلی بدیهی است، و همه کتابداران در پذیرش آن اتفاق نظر دارند. اما در رابطه با میزان اتکای رده‌بندی کتابخانه‌ای به طبقه‌بندی علوم نظرها یکسان نیست. گروهی هیچ تضادی بین رده‌بندیهای نظری از یک سو و رده‌بندیهای عملی و کتابشناختی از سوی دیگر قائل نیستند و به نظر آنها منطقی که انطباق یک طرح رده‌بندی عملی را با یک طرح علمی توجیه می‌کند این است که یک رده‌بندی علمی همه علوم را در برمی‌گیرد، و کاربرد آن در کتابخانه موجب تنظیم کتابها به همان ترتیبی خواهد بود که دانشمندان خود تعیین کرده است. برای این گروه از کتابداران بویژه نظریه تکاملی چارلز داروین جاذبه خاصی دارد و آن رامبنای مناسبی برای رده‌بندی کتب در زمینه‌های علوم طبیعی می‌دانند، و معتقدند که باید این اصل را، که در علوم طبیعی بخشهای هر موضوع به همان ترتیبی ظاهری می‌شود که نظریه تکامل برای ظهور آنها در خلقت قائل است، در رده‌بندی کتابها نیز رعایت کرد. به عبارت دیگر در نظر این گروه نظامی معین و شناخته شده از علوم در طبیعت وجود دارد که باید مبنای رده‌بندی دانش و نهائیتاً "اساس رده‌بندی کتابها قرار گیرد.

جان دیوئی در مقدمه‌ای که بر کتاب سازماندهی دانش و نظام علوم تالیف اچ. ای. بلیس^۱ نوشته است بطور خلاصه نظریات حامیان انطباق رده‌بندی کتابخانه‌ای را با یک رده‌بندی علمی بخوبی بیان کرده است.

"رده‌بندیهای ساختگی در کتابخانه‌ها حتی نیازهای معمولی را هم برآورده نمی‌کند طرح رده‌بندی کتابها برای اینکه در عمل مفید و موثر افتد، بایستی روابط میان موضوعات را نشان دهد، و این جز از طریق سازماندهی اندیشه‌ها و مفاهیم و تکیه بر نظم درونی شاخه‌های دانش که در واقع نمایانگر نظام طبیعت است حاصل نمی‌گردد. هدف کتابخانه ارائه خدمت است، اما این خدمت زمانی به‌بهرترین صورت ارائه می‌شود که ابزار و وسایل مورد استفاده با منطق ذاتی موضوعات که نمودار واقعیت‌های طبیعی است مطابقت داشته باشد. بعلاوه

1. H. E. Bliss

سازماندهی صحیح دانش در کتابخانه‌ها در واقع به منزلهٔ تجلی وحدت دانش و تجربه است ، و در ضمن امکانات لازم را برای توسعه بیشتر دانش فراهم می‌آورد " (۶) .

پیروان این طرز فکر ، با تاکید بر پایداری نظام علوم که مبتنی بر نظام طبیعت است ، معتقدند که هر اندازه یک طرح رده بندی عملی بیشتر با نظم واقعی علوم هماهنگ باشد طرحی موفق تر و بادوام تر خواهد بود . بلیس که خود از واضعان طرحهای رده بندی کتابخانه‌ای است در توجیه کاربرد نظام های علمی به عنوان مواد خام رده بندی های عملی می‌گوید " علوم اصلی خود ممکن است رشد کنند ، لیکن در مفاهیم ، ویژگیها و مسائل آنها چنان تغییراتی صورت نمی‌گیرد که روابط ، مراتب و ترتیبات جدیدی را موجب گردد . نظم علوم در طی یک قرن تغییری نکرده است ، و این نظم ظاهرا " در قرون آینده نیز پایدار خواهد ماند ، زیرا بر اساس نظم طبیعت ترتیب یافته است " (۷) .

در مقابل برای گروه بزرگی از کتابداران حداکثر سادگی و حداقل پیچیدگی در یک طرح رده بندی مطرح نظر بوده و جنبه های عملی بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است . اینان معتقدند که یک طرح مطلوب باید تسهیلات لازم را برای کتابداران در انجام وظایف روزمره شان فراهم آورد . به نظر این گروه از کتابداران نقش رده بندی نظری و رده بندی عمیق متفاوت است ، و رده بندی اخیر در واقع دانش مکتوب را نظم می‌بخشد و نه علوم را . در رده بندی های علمی و فلسفی ، دانشمندان و فلاسفه در آن واحد تنها با یک مقوله از مفاهیم مثل فلسفه ، تاریخ ، الهیات و غیره سروکار دارند و می‌توانند بنحو موثرتری قواعد تقسیم بندی منطقی را در مورد تنظیم آنها اعمال نمایند . در رده بندی کتابخانه‌ای چه بسا موضوعات مرکب و یا موضوعاتی با کیفیت چند بعدی در کتب مطرح می‌شوند که سادگی موضوعات مجرد را ندارند . تنظیم دانش مکتوب در واقع جنبه عینی دارد ، در حالیکه رده بندی دانش که بر مبنای آن تنها مفاهیم تنظیم می‌شود ، انتزاعی و مجرد است .

به عبارت دیگر هدف یک فیلسوف یا دانشمند کشف روابط اشیا است و هدف یک کتابدار گروه بندی کتابها بر حسب محتوای آنها و نیز تکیه بر اصل سهولت عمل است ، اصلی که باید شالوده همرد ه بندیهای کتابخانه‌ای قرار گیرد . از سوی دیگر انطباق دقیق رده بندی کتابخانه‌ای بر یک رده بندی علمی این مشکل را مطرح می‌سازد که هر تغییری در رده بندی علوم تغییرات مشابهی را در رده بندی کتابها به دنبال خواهد داشت و چنانچه تغییراتی با سانی قابل تحمل نخواهد بود . بنا بر این در رابطه با تنظیم کتابها به روشی نیاز

نشریه علوم تربیتی

است که برطبق آن تنظیم و بازایی کتب با سانی میسر باشد و وقت خواننده و کتابدار در یافتن کتب مورد نظربه هدر نرود .

واقعیت این است که بین این دو نظر باید تعادلی ایجاد شود . اصولی که در تدوین رده بندی نظری ملحوظ است و نیز توالی موجود در یک نظم نظری باید در رده بندی عملی رعایت گردد . استثناء وقتی است که شرایط عملی ، بعضی تغییرات را ایجاد می نماید . می توان گفت که رده بندیهای نظری و عملی در اصول یکسان هستند ولی تفاوت آنها در کاربردشان برای اشیاء و پدیده های عینی است . یک طرح رده بندی کتابخانه ای در مقایسه با یک طرح رده بندی علمی لزوماً " باید از طبیعت پایدارتری برخوردار باشد . در تهیه طرح رده بندی کتابخانه ای باید از رده بندی های علمی موجود بهره گرفت ، و اصل تقسیم بندی در درون گروه های موضوعی باید تا آنجا که ممکن است مبتنی بر روشهای پذیرفته شده در هر علم باشد . به این ترتیب که مثلاً " ادبیات بر حسب زبان و فرم های ادبی ، تاریخ کشورها بر حسب دوره های تاریخی ، و هنر بر حسب مکتبهای هنری تقسیم بندی شود . در علوم طبیعی بویژه در گیاهشناسی و جانورشناسی که موضوعات آنها به صورت نظام یافته ای مورد مطالعه قرار می گیرد ، رده بندی کتابخانه ای باید از روشهای علمی پیروی کند . بلیس نیز معتقد است که رده بندی کتابها باید مبتنی بر همان نظمی باشد که متخصصان رشته های مختلف دانش در تنظیم موضوعات مربوط به رشته خود پیروی می کنند و نیز به همان ترتیبی باشد که مورد مطالعه و تدریس قرار می گیرند . به عبارت دیگر وی " اتفاق نظر علمی و آموزشی " را مبنای رده بندی کتابهای دانش و می افزاید " و نوع رده بندی وجود دارد ، در یک سوره بندیهای علمی ، طبیعی و منطقی . ، و در سوی دیگر رده بندیهای عملی ، سلیقه ای و رده بندیهای که برای منظوری خاص تهیه می شوند ، اما رده بندی کتابخانه باید این دو نوع را به یکدیگر پیوندزند " (۸) . اما در همه این موارد باید دو نکته مورد توجه قرار گیرد : نخست محدودیتهای خود رده بندیهای علمی و دوام مشکلاتی که کاربرد این رده بندیها در کتابخانه بوجود می آورد . حتی نظام تکاملی رده بندی علوم زیستی که به عنوان نمونه بارزی از یک رده بندی طبیعی پذیرفته شده ، خود دارای محدودیتهائی است . این نظام که طبق آن انواع حیوانات و گیاهان با تغییرات و تبدیلات تدریجی و مستمر تکامل ترو متحول تر از انواع پیشین می شوند ، تنها در علوم زیست شناسی می تواند صادق باشد . و علاوه همین نظریه تکاملی نیز هنوز تکیه گاه علمی لازم را نیافته است و نمی توان آن را به عنوان اصل تغییر ناپذیری پذیرفت ، "

مروری برده بندی نظری

"پین زیست شناسان در بسیاری از مسائل مربوط به رده بندی اختلاف هست، رده بندی هنوز هم عمدتاً "برپایه شباهتهای ساختمانی متکی است، ولی بتدریج که اطلاعات در دیرین شناسی، توارث، فیزیولوژی، وزیست شیمی زیادتر می شود، طبقه بندی موجود را چنان تغییر می دهند که با اطلاعات جدید سازگارتر شود. (۹) به این ترتیب اعتبار پایداری نظام تکاملی علوم مورد تردید قرار می گیرد، و انطباق رده بندی عملی بارده بندی علمی در علوم طبیعی باید با توجه به این تغییرات صورت پذیرد. عدم اتفاق نظر قطعی دانشمندان در بعضی مسائل رده بندی دلیل مهمی است که به منظور احتراز از جابجائی های فراوان در رده بندی کتابخانه ای، باید وابستگی برده بندی پهای علمی را در این موارد به حداقل برساند. از سوی دیگر "در سایر رشته های دانش، نظم تکاملی مفهومی متفاوت دارد و به مفهوم نظم تاریخی، نظم ساده به پیچیده، نظم پیچیده به ساده، یا نظم منطقی بکار می رود. در هر صورت بخش بزرگی از دانش مکتوب، ساخته و پرداخته آدمی است. و هر گونه تلاشی برای یافتن نظم تکاملی یا طبیعی در تقسیم بندی موضوعاتی چون مهندسی و سیاست، یا تنظیم متون مربوط به این موضوعات طبق چنان نظمی تلاش بیهوده ای است" (۱۰)

کیفیت مرکب بودن بسیاری از کتابها مستلزم کاربرد شیوه خاصی در تنظیم آنها بصورت نظام یافته است، و رده بندی های نظری در این موارد پاسخگوی مسائل تنظیم این قبیل کتب نیستند. در این رابطه، جنبه عملی هدف رده بندی کتابها باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع اشیاء مرکب بسیاری در عالم وجود دارد، و همان نظم علمی که برای کتابدار در تنظیم کتابها مطرح است، برای مثال برای زمین شناس هم ممکن است در تنظیم نمونه های سنگهای معدنی مطرح باشد. همانطور که کتابی ممکن است شامل چند موضوع باشد، یک قطعه سنگ هم ممکن است شامل چندین عنصر باشد. اگر در یک قطعه بلور کوارتز رگهای از طلا وجود داشته باشد، در یک مجموعه مربوط به فلزات این قطعه را باید برحسب فلز آن مرتب کرد، و در مجموعه ای که مثلاً "تنظیم برحسب سختی مواد صورت می گیرد، باید آن را به عنوان سنگ کوارتز رده بندی نمود. اصل تنظیم مواد مرکب با توجه به مقصود مورد نظر در مورد کتب هم صادق است، و در واقع هدف رده بندی در مورد مواد مرکب، کنار هم قرار دادن موادی است که بیشتر با هم مورد استفاده قرار می گیرند.

در تدوین یک رده بندی کتابخانه ای مهمترین عاملی که باید مطمح نظر قرار گیرد، عامل پشتوانه انتشاراتی، یعنی تعداد متون نوشته شده در باره یک موضوع است.

در رده‌بندی‌های نظری در واقع هیچ حد و مرزی برای ایجاد تقسیمات نظری در موضوعات و تعیین درجه تفصیل آنها وجود ندارد، و برای اینکه این قبیل رده‌بندی‌ها جنبه عملی داشته باشد باید هنگام تنظیم موضوعات پشتوانه انتشاراتی آنها را نیز در نظر گرفت. حجم جدول‌های رده‌بندی باید متناسب با تعداد انتشارات موجود باشد، و به عبارت دیگر، تنظیم و دامنه تقسیمات فرعی جداول رده‌بندی باید بوسیله تعداد واقعی کتابها و نحوه استفاده از آنها تعیین شود. " بندرت ممکن است برای یک جنبه یا یک جزء موضوعی که ممکن است در کتاب بخصوصی مورد بحث قرارگیرد، نشانه مشخصی ضرورت یابد. به عبارت دیگر، منطقا " تا آنجا که می‌توان کتب را در گروه‌های مفیدی تنظیم کرد، تفصیل زیاد در جداول رده‌بندی ضرورتی ندارد. در تدوین ویرایش ۱۹۵۸ رده‌بندی ده‌دهی دیوئی، استفاده از تقسیمات فرعی تر تنها در مواردی مورد بررسی قرار گرفت که بیشتر از بیست کتاب در باره موضوعی خاص نوشته شده باشد" (۱۱)

در رده‌بندی کتابها همانطور که ممکن است با مفاهیم جدیدی مواجه شویم، در مواردی مفاهیم قدیم نیز ممکن است مطرح گردد. کتابها در باره موضوعاتی چون " فلزات و شبه فلزات " منتشر می‌شوند، و کتابخانه‌ها ناچارند این قبیل کتابها را رده‌بندی کرده و آنها را در محلی مناسب قرار دهند. اما این عناوین دیگر مبین هیچ نوع تقسیم بندی که مبتنی بر ارزش علمی باشد، نیستند. مفهوم شبه فلز در شیمی، زمانی مفهومی نسبتا " فلسفی بود اما رده‌بندی دوره‌های عناصر این مفهوم را منسوخ کرد. با این حال این لفظ هنوز هم در عنوان کتابها ظاهر می‌شود، و بنا بر این باید هنوز هم در رده‌بندی کتب منظور گردد (۱۲)"، و این نیز از مواردی است که تطبیق موضوعات کتب بارده‌بندی‌های علمی جدید به دشواری صورت می‌گیرد. این مسئله در رده‌بندی علوم دیگر نیز ممکن است مطرح گردد، از جمله فیزیک کلاسیک را معمولا " به اجزاء مکانیک، صوت، حرارت، برق، مغناطیس و نور تقسیم می‌کنند. " اینها علوم جداگانه‌ای بوده، و در مراحل مختلف پیشرفت خود مسیر رشد مستقلی را پیموده‌اند. امروزه مرز بین آنها تقریبا " بطور کامل از بین رفته است (۱۳)". هر چند رده‌بندی رایج در فیزیک کلاسیک اکنون چندان اهمیتی در فیزیک نوین ندارد، با وجود این تقسیم بندی فیزیک کلاسیک هنوز در عناوین کتب ظاهر می‌شود. از این رو، در این قبیل مواد ارزده‌بندی‌های کتابخانه‌ای باید هم نظام جدید علوم مورد توجه قرار گیرد و هم تقسیماتی که پشتوانه انتشاراتی علوم ایجاب می‌کند.

مروری برده‌بندی نظری

تجربه نشان داده است که موفقیت وشکست یک رده‌بندی کتابخانه‌ای در واقع در تامین میزان سهولت عمل در گروه‌بندی کتابهاست . چه بسا تاکید زیاد برپیروی ازنظم رده‌بندی‌های نظری باعث شود که روح واقعی رده‌بندی کتابخانه‌ای از دست برود . از میان رده‌بندی‌های شمارشی، رده‌بندی جیمز داف براون^۱ که در سال ۱۹۰۶ منتشر شد کیفیت خاصی دارد . براون در تنظیم طرح خود با نادیده انگاشتن اصل سهولت عمل، به نظمی منطقی معتقد بوده و در تدوین این طرح از نظریه تکامل تاریخی ماده، نیرو، حیات، ذهن و ثبت و ضبط پیروی کرده است. در این رده‌بندی تاکید بر پدیده‌ها و ویژگیه مقوله ذوات است، و در واقع بیشتر، موضوعات عینی محور گروه‌بندی قرار می‌گیرد. برای مثال جنبه‌های مختلف موضوع آهن که ممکن است در مباحث مختلفی چون متالژی، معدن شناسی، شیمی معدنی، زمین شناسی، اقتصاد، صنعت و غیره مطرح گردد، در رده‌بندی موضوعی جمنگی در ذیل آهن قرار می‌گیرند. تعیین محل موضوعات عینی نیز بر مبنای این اصل صورت می‌گیرد که هر موضوع باید در ذیل نزدیکترین علمی که منشاء آن است، قرار گیرد. به این ترتیب مثلا آهن ذیل معدن شناسی و سبب ذیل گیاه شناسی قرار می‌گیرد. این شیوه تنظیم موضوعات در رده‌بندی براون که متأثر از مبنای نظری این رده‌بندی است، در واقع جنبه‌های عملی رده‌بندی را نادیده گرفته و بزرگترین دلیل عدم مقبولیت این رده‌بندی در کتابخانه است. سه یزد در رابطه با این رده‌بندی خاطرنشان می‌سازد که " این نظریه براون که هر پدیده‌ای از علت مشخصی سرچشمه می‌گیرد، باعث شد که در طرح او برای مثال، صوت منشاء موسیقی و نور منشاء علم نورشناسی قرار گیرد؛ و اینها نمونه‌های بارزی است که چگونه در طرح مذکور مسائل حسی و جنبه‌های عملی در معبد فلسفه قربانی شده‌اند (۴) ".

اصل سهولت عمل که در متداولترین و مقبولترین رده‌بندی‌های کتابخانه‌ای هم نادیده گرفته می‌شود، و اینجانب نیز جنبه‌های عملی تحت الشعاع مسائل فلسفی و ذهنی قرار می‌گیرد.

این نکته، به عنوان انتقادی مهم، در مورد رده‌بندی ددهی دیوئی نیز صادق است. اعتقاد بر این است که دیوئی در تنظیم طرح خود تا حد زیادی از طرح فلسفی هریس^۲

1. James Duff Brown

2. W.T. Harris

نشریه علوم تربیتی

پیروی کرده است. طرح هریس در واقع طرح معکوس شده^۶ رده‌بندی فرانسیس بیکن است. "در واقع بیکن پایه تقسیم معارف را در قوای روح که مقرر خاص علم است می‌داند^۷ یعنی حافظه را منبع تاریخ، تخیل را سرچشمه شعر و عقل را خاستگاه فلسفه می‌شمارد. تاریخ یا علم وابسته به حافظه، از حیث تمیز میان طبیعت و انسان، به تاریخ طبیعی و تاریخ مدنی منقسم می‌شود. شعر را که منبع آن تخیل است به نقلی و تمثیلی و حکمی تقسیم می‌کند. به نظر بیکن علوم وابسته به عقل یا فلسفه در سه‌تون قرار می‌گیرد: علوم الهی، علوم طبیعی و علوم انسانی، دسته اخیر به نوبه خود به دو نوع علم منقسم می‌شود: علوم مربوط به انسان به عنوان فرد مرکب از روح و جسم، و علوم مربوط به انسان اجتماعی، و این علم نیز به علم محاوره، علم معاملات یا علم اقتصاد، و علم حکومت یا علم سیاست منقسم می‌گردد (۱۵)".

بانگاهی اجمالی به تقسیمات فوق و مقایسه آن با ترتیب رده‌های اصلی رده‌بندی ددهی دیوئی (... - کلیات / ۱۰۰ - فلسفه / ۲۰۰ - دین / ۳۰۰ - جامعه‌شناسی / ۴۰۰ - زبان / ۵۰۰ - علوم خالص / ۶۰۰ - تکنولوژی / ۷۰۰ - هنرها / ۸۰۰ - ادبیات / ۹۰۰ - تاریخ و جغرافیا) علت جدائی قابل ملاحظه و اعتراض برانگیز جامعه‌شناسی - که ماده‌خام تاریخ است - از تاریخ، و نیز جدائی زبان - که ماده‌خام ادبیات است - از ادبیات، روشن می‌گردد. بدین معنی که دیوئی در واقع در مبنای فلسفی رده‌بندی خود قائل به جرح و تعدیل چندانی نبوده است. این نقص که از لحاظ عملی در نظام دیوئی مشهود است باعث شده که بعضی کتابداران ترتیب دیگری را برای رده‌های دهگانه رده‌بندی دیوئی پیشنهاد کنند. سهیرز از جمله کتابدارانی است که به منظور رفع مشکلات عملی موجود در ترتیب رده‌های دیوئی، ترتیب دیگری را پیشنهاد می‌کند (۰۰۰ - کلیات / ۱۰۰ - فلسفه / ۲۰۰ - دین / ۳۰۰ - علوم خالص / ۴۰۰ - تکنولوژی / ۵۰۰ - هنرها / ۶۰۰ - زبان / ۷۰۰ - ادبیات / ۸۰۰ - جامعه‌شناسی / ۹۰۰ - تاریخ و جغرافیا). (۱۶)

از سوی دیگر مشکلات فوق، بعضی کتابخانه‌ها را که برای تنظیم مجموعه خود از رده‌بندی ددهی استفاده کرده‌اند و داشته‌است که به منظور برقراری ترتیبی عملی، تمهیدات دیگری بکار گیرند. در این رابطه، در برخی کتابخانه‌ها، رده‌های زبان و ادبیات در حکم یک رده تلقی می‌شوند که ابتدا بر حسب زبان و سپس در ذیل هر زبان دوباره به زبان‌شناسی و ادبیات تقسیم می‌شود... و به این ترتیب این کتابخانه‌ها به هیچ وجه از نظم واقعی

مروری برده‌بندی نظری

و تقسیمات علوم پیروی نمی‌کنند (۱۷) .

همانطور که تا مین نشانه‌ها و نمایه‌ها و تقسیمات شکلی، زمانی و مکانی در یک رده‌بندی کتابخانه‌ای همواره لازمهٔ تدوین یک طرح جامع است، چه بسا ضرورت ایجاب نماید که در چنین طرحی در برخی موارد رده‌بندی مصنوعی موضوعات در مواردی جایگزین رده‌بندی طبیعی شود. برای مثال استفاده از نظم الفبائی برای تقسیمات فرعی موضوعات در مواردی کارآمدترین شیوه‌ای است که بجای نظم علمی اعمال می‌گردد. کتابخانه کنگره در رده فلسفه که دارای یکی از بزرگترین مجموعه‌های کتب فلسفی در جهان است، شیوه تنظیم برحسب کشور، و در هر کشور برحسب دوره‌های تاریخی و در هر دوره برحسب الفبای نام فلاسفه را مانسب‌ترین شیوه می‌داند. در پیشگفتار رده فلسفه این کتابخانه چنین آمده است: "در حوزه فلسفه رده‌بندی دقیق برحسب موضوع در برخی موارد قابل اعمال و حتی مطلوب نیست... و آثار منفرد فلاسفه دوران قدیم، قرون وسطی و دوران معاصر صرف نظر از موضوعشان رده‌بندی شده است".

از مجموعه آنچه در این گفتار آمد چنین برمی‌آید که نظم رده‌بندی نظری باید به منزله ستون فقرات رده‌بندی کتب مورد استفاده قرار گیرد، تا بدین ترتیب توالی منطقی و پیوستگی مطلوب موضوعها، و دوام و پایداری رده‌بندی تا مین گردد. اما در انطباق کتابها با این نظم باید جرح و تعدیلهای عملی زیادی بعمل آید. ایجاد این جرح و تعدیلهای در نظامهای نظری گاه برای رده‌بندی کتب نه‌تنها مفید، بلکه لازم است، و اصرار بیهوده در پیروی مطلق از رده‌بندیهای علمی و فلسفی بدون در نظر گرفتن استفاده روزانه از کتابها و بدون توجه به جنبه‌های عملی، باعث از دست دادن پویائی و کارآئی رده‌بندی کتابخانه می‌شود، و موجب می‌گردد که کتابها اغلب در جائی قرار گیرند که عقل سلیم آن را نمی‌پذیرد. در تدوین طرحهای رده‌بندی باید همواره مابین نکته مطمح نظر قرار گیرد که هدف رده‌بندی در کتابخانه‌ها در واقع کنار هم قرار دادن موادی است که بیشتر با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. و در این رابطه برخی تغییرات در نظم علمی، به شرطی که در جهت بهره‌گیری بهتر و بیشتر باشد، باید مجاز شمرده شود. در واقع انطباق رده‌بندی کتابخانه‌ای با رده‌بندیهای نظری باید با توجه به نیازهای عملی نظامهای علمی و فلسفی، عامل پشتوانه انتشاراتی، اصل سهولت عمل و محدودیت‌های رده‌بندیهای نظری در رابطه با موضوعات مرکب، مفاهیم جدید و قدیم صورت پذیرد. به عبارت دیگر تنظیم دانش مکتوب با توجه به ویژگیهای کتب،

نشریه علوم تربیتی

ناچار برخی تفاوت‌ها را ، نسبت به رده‌بندی خود دانش که در واقع رده‌بندی مفاهیم مجرد است ، ایجاب می‌کند ، اما این دو رده‌بندی در اصول یکسان هستند و همانند پهای بسیاری بین آنها وجود دارد .

یادداشتها

1. Derek Langridge, *Approach to Classification for Students of Librarianship* (London: Clive Bingley, 1973), P. 42.
۲. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیوجم، (تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲)، ص هفدهم مقدمه.
3. B.C. Vickery, *Classification and indexing in Science*, (London: Butterworths, 19۴9), P. 161.
۴. فارابی، احواء العلوم، ترجمه حسین خدیوجم، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ص ۱۸ مقدمه.
۵. کامران فانی، "طبقه‌بندی کتاب" در نشریه سمینار کتاب و کتابداری، (مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۶۰)، ص ۱۰۵.
6. James Thompson, *A History of the Principles of Librarianship* (London: Clive Bingley, 1977), P. 156.
7. B.C. Vickery, P. 174.
8. W.C.B. Sayers, *A Manual of classification for Librarians*, 4th ed., edited by Arthur Maltby (London: Andre Deutsch, 1967), P. 50.
۹. دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب (تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵)، ج ۱، ص ۱۰۷۸.
10. W.H. Phillips, *A Primer of Book Classification*, 5th ed. (London: Library Association, 1961), P. 27.
11. Ibid, P. 33.
12. B.C. Vickery, P. 176.
13. Ibid.
14. James Thompson, P. 154.
۱۵. نقلیه اختصار از ژولین فروند، آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی‌محمد کاردان (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۰.

16. Maurice F. Tauber and E. Wise "Classification Systems",
in *The State of the Library Art*, edited by Ralph R.
Shaw (New Brunswick, N.J.: Rutgers State University.
Graduate School of Library Service, 1960), V.1.,
Part 3, P. 38.
17. E.C. Richardson, "Classification: Theoretical and
Practical", in *Reader in Classification and Descrip-
tive Cataloging*, Edited by Ann F. Painter (Washington)
D.C.: NCR Microcard Editions, 1972), P. 46.